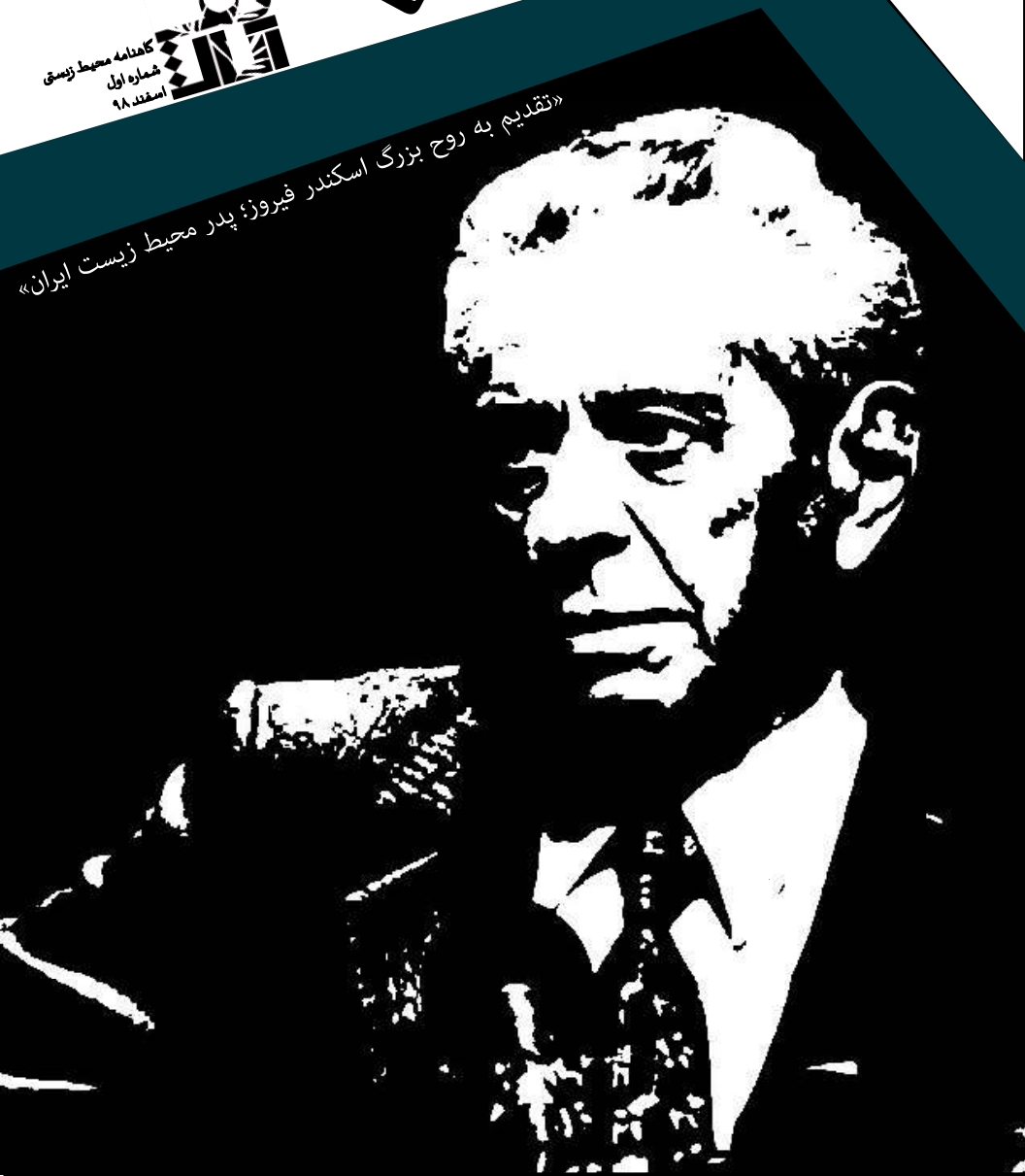


هیرگان



گامنامه محیط زیستی
شماره اول
اسفند ۹۸

«تقدیم به روح بزرگ اسکندر فیروز؛ پدر محیط زیست ایران»



شناسنامه

صاحب امتیاز: مجمع اسلامی دانشگاه الزهرا

مدیر مسئول: مهشاد فرقانی فر

سر دبیر: بهاره حاجیانی

طراحی جلد و صفحه آرا: طنین جویان

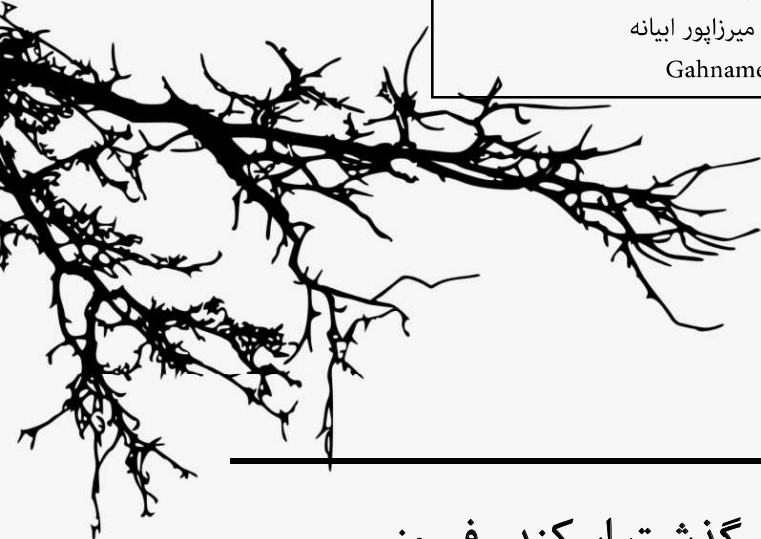
طراحی لوگو: ملیکا هادی

ویراستاران: مهشاد فرقانی فر، بهاره حاجیانی

هیئت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا): بهاره حاجیانی،

مهشاد فرقانی فر ، غزال میرزاپور ایبانه

Gahname.Hirkan@gmail.com



-
- سرگذشت اسکندر فیروز
 - قدم اول: قاشق‌های پلاستیکی
 - چی بپوشم؟
 - از خودمان شروع کنیم!

سخن آغازین

بی شک فرهنگ و فهم چگونه زیستن بخش قابل توجهی از شعور انسان‌ها را تشکیل می‌دهد و در ارتباطات بین انسان‌ها نقش به‌سزایی دارد. هر فردی در طول زندگی، بر جامعه‌ی خود موثر است؛ پس باید آگاه باشد که چه اثری را باقی می‌گذارد. تغییرات و اصلاحات بزرگ، از قدم‌های کوچک ما و شما آغاز می‌شود؛

ما در این شماره سعی داریم با پرداختن به پایه‌ای‌ترین و ساده‌ترین مسائل زیست محیطی، گامی در جهت آگاهی‌سازی برداشته و به دور از توقع و انتظار از دیگران، خود برای حفظ زمینمان تلاش کنیم.

گذشته از مشکلات بزرگی که امروزه محیط زیست جهان و در نگاهی کوچک‌تر، ایران با آن دست و پنجه نرم می‌کند، ما می‌توانیم با برداشتن قدم‌های کوچک‌تر و آهسته‌تر، به آرامی جامعه‌ی کوچک خود را به سمت مسئولیت‌پذیرتر شدن هدایت کنیم.

زمین برای پدران ما نبود و برای ما نیز نیست، ما مهمانانی در این کره‌ی خاکی هستیم و باید به قوانین محیط زیستی خود احترام بگذاریم.

نام هیرکان برگرفته از نام جنگل‌های حاشیه‌ی دریای کاسپین است که در طول سال‌ها مورد بی‌مهری‌ها و صدمات جبران‌ناپذیری قرار گرفته‌است. نشان مجله‌ی هیرکان شامل نوشته و تصویر است؛ تصویر ساده‌شده‌ی درختان این منطقه که به صورت منفی درون نوشته قرار گرفته‌شده‌است و در معرض خطر بودن این موزه طبیعی را نشان می‌دهد.

برقرار باشید و سبز

« اسفند ۹۸ »

مهشاد فرقانی‌فر


mahshadforghanifarr@gmail.com

بهاره حاجیانی

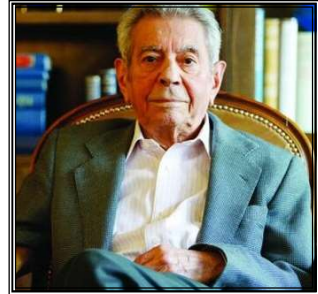
baharehajiani98@gmail.com



سرگذشت اسکندر فیروز

بهاره حاجیانی 

اسکندر فیروز، بنیان‌گذار و نخستین رییس سازمان حفاظت از محیط زیست ایران بود که نقش بسیاری در آموزش، فرهنگ‌سازی و توانمندسازی جوامع بومی و محلی در حفاظت از زیست بوم ایران داشت و از او به عنوان پدر سازمان محیط زیست ایران یاد می‌شود.



وی ۱۶ مرداد سال ۱۳۰۵ در شیراز متولد شد. کودکی او هم‌زمان با جنگ جهانی دوم بود؛ از این رو برای مدتی به همراه خانواده‌اش ایران را ترک کرد. او در رشته‌ی مهندسی ساختمان تحصیل کرد، اما متوجه علاقه‌ی خود به رشته‌های منابع طبیعی شد. در نهایت پس از ۹ سال دوری دوباره به ایران بازگشت.

او دو دوره نماینده همدان و میانه در مجلس ملی بود، جایی که فرصت خوبی برای اقدامات محیط زیستی‌اش پیدا کرد.

در سال ۱۳۳۵ برای تأسیس «کانون شکار» از او دعوت شد و اسکندر قانون آن را در مجلس تصویب کرد. چند سال بعد نام آن به «سازمان نظارت بر صید» تغییر پیدا کرد و در نهایت به «سازمان حفاظت محیط زیست» تبدیل شد. او که در آن زمان نایب رییس نخستین کنفرانس جهانی محیط زیست در استکهلم بود، دو سال بعد، یکی از مهم‌ترین قوانین محیط زیستی ایران با عنوان قانون «حفاظت و بهسازی محیط زیست» را به تصویب رساند که هنوز هم در ایران اعتبار حقوقی دارد.

تجربه‌ی سفرها و شکارهای اسکندر فیروز به او نشان داده بود که تا چه میزان مناطق حفاظت‌نشده در انقراض گونه‌های زیستی موثر است.

از این رو سال ۱۳۴۹ ریاست کنفرانسی را در رامسر برعهده گرفت که درباره‌ی حفاظت از تالاب‌های مهم بین‌المللی به ویژه تالاب‌های زیستگاه پرندگان آبی بود.

نتیجه این کنفرانس، تصویب کنوانسیون رامسر بود که به عنوان پیمان جهانی در حوزه محیط زیست معروف شد.

فیروز از اعضای هیات مدیره اتحادیه جهانی حفاظت محیط زیست (IUCN) بود و چندی پس از آن نایب رییس این اتحادیه و عضو هیات امنای صندوق جهانی حیات وحش و طبیعت شد. او هم‌چنین به مدت ۷ سال دبیرکل موسسه گیاه‌شناسی ایران بود و تأسیس موسسه گیاه‌شناسی و باغ گیاه‌شناسی و نیز طرح محیط زیستی پردیسان را در کارنامه‌ی فعالیت‌های خود دارد. همه‌ی این اتفاقات در سال‌های قبل از انقلاب برای او رقم خورد.

با تلاش او مناطق چهارگانه تحت حفاظت ایران با نام‌های پارک ملی، اثر طبیعی ملی، پناهگاه حیات وحش و منطقه حفاظت شده تعیین شدند.

کتاب «حیات وحش ایران، مهره‌داران» که جایزه‌ی علم مهرگان را به خود اختصاص داد و «خاطرات، دو دهه تلاش برای حفظ طبیعت و محیط زیست ایران» از جمله آثار منتشر شده از اسکندر فیروز به شمار می‌روند.

فیروز در سن پنجاه سالگی که می‌توان گفت به پختگی در علم و مدیریت رسیده بود، از کار برکنار و مصلوب‌الاختیار شد و قطعاً اگر فرصت از او دریغ نمی‌شد، می‌توانست خدمات و میراث ارزنده‌تری به یادگار بگذارد. او همیشه با حسرت می‌گفت: «نگذاشتند کارم را در محیط زیست ایران به سرانجام برسانم». او در ۱۴ اسفند ۱۳۹۸ در سن ۹۸ سالگی چشم از جهان



گشود و اکنون به عنوان فردی از او یاد می شود که روزگار هرگز به او فرصت اتمام ایده‌ها و برنامه‌هایش را نداد.

او همواره برای محیط زیست نگرانی‌هایی داشت اما به آینده امیدوار بود. او اظهار داشت، محیط زیست باید تبلیغ شود و از کودکی به مردم آموزش داده شود. او معتقد بود، «هیچ چیزی در هیچ کشوری بالاتر از محیط زیست نیست. حیات انسانی، طبیعت، آب، حیوان، درخت و گیاه به یک‌دیگر متصل هستند. نمی‌توانید یکی از این عناصر را خراب کنید و انتظار داشته باشید محیط زیست خدشه‌دار نشود.»

اسکندر فیروز به اندازه‌ی توانش کوشید تا در داخل کشور، هموطنانش را که طبیعت، مفهومی بیش از شکارگاه برایشان نداشت را با محیط زیست آشنا کند و آشتی بدهد.

فراموش نکنیم که اسکندر فیروز بخشی از این کارها را زمانی انجام داد که در ابتدا برای او حکم اعدام صادر شده بود اما پس از لغو این حکم، در نهایت ۶ سال و ۷ ماه از عمرش را در زندان گذراند. دورانی که می‌توانست با توجه به تجربیاتش در زمینه‌ی محیط زیست بسیار مفید واقع شود اما او به جای قهر با کشور و انتقام‌جویی، به راه خود ادامه داد. همین یک نکته شاید برای نشان دادن ارادت و عشق او به ایران کافی باشد....





قدم اول: قاشق‌های پلاستیکی

مهشاد فرقانی فر

آلودگی ناشی از پلاستیک در حال حاضر یکی از بزرگ‌ترین نگرانی‌های محیط زیستی است. در سال‌های اخیر آگاهی‌سازی و فرهنگ‌سازی‌های بیشتری پیرامون این قضیه صورت گرفته‌است؛ پلاستیک به دلیل کاربردهای بسیاری که دارد، طرفداران زیادی داشته و استفاده‌ی بیش از حد از آن تقریباً تبدیل به فرهنگ و عادات روزمره‌ی ما شده است.

می دانستید:

- * صنعت پلاستیک سالانه ۴۰۰ میلیون تن پلاستیک تولید می‌کند که از این بین تنها ۹ درصد آن بازیافت می‌شوند.
- * در هر ثانیه، ۲۰ هزار بطری پلاستیکی خریداری می‌شود که کم‌تر از نیمی از آن‌ها جمع‌آوری می‌شوند!
- * طبق اعلام اداره‌ی ملی اقیانوسی و جوی آمریکا، ۴۵۰ سال طول می‌کشد تا بطری پلاستیکی از نظر زیستی تجزیه شود. (یعنی تقریباً هر بطری که تاکنون تولید شده، هنوز در اطراف ما سرگردان است.)

به طور خلاصه، می‌توانیم ادعا کنیم پلاستیک‌ها تقریباً تجزیه‌ناپذیرند! پلاستیک دارای آلاینده‌های سمی است که به محیط زیست ما آسیب می‌رساند؛ گذشته از این، با تجمع پلاستیک‌ها رفته رفته زمین به یک سطل زباله بزرگ



تبدیل می‌شود که با گذشت زمان شاید دیگر جایی برای ما و نسل‌های آینده نباشد.

* دانشمندان پیش‌بینی کرده‌اند که تا سال ۲۰۵۰، تعداد پلاستیک در اقیانوس‌ها از تعداد ماهی‌ها بیش‌تر خواهد بود.
* جهان در ۱۰ سال گذشته، نسبت به کل ۱۰۰ سال گذشته پلاستیک بیش‌تری تولید کرده‌است!

شاید با خودتان بگویید: "ما که پلاستیکی مصرف نمی‌کنیم" و یا "حجم مصرفی پلاستیکی من یک نفر قطعاً دنیا رو تحت تاثیر قرار نمیده!"

ولی در واقع ما در قبال تک‌تک این پسماند‌ها مسئولیت داریم، و هر کدام از این پلاستیک‌ها چه در ابعاد بزرگ مثل تولیدات صنعتی و چه در ابعاد کوچک مثل یک قاشق یا نی پلاستیکی می‌توانند سرنوشت خود و آیندگان را دچار تغییر کنند.

* ممنوعیت استفاده از کیسه‌های پلاستیکی در نیویورک از اول مارس ۲۰۲۰.

گذشته از نگاه به عملکردهای کشورهای جهان اولی در راه بهبود و اصلاح تولید و مصرف پلاستیک کم‌تر، شاید بهتر باشد نگاهی هم به خودمان بیاندازیم. ما چه میزان در اصلاح این دغدغه جهانی نقش داریم؟

احتمالاً در ابتدا اکثریت ما، یکدیگر و یا مسئولین را

مقصر دانسته و تقصیرات را بین دیگران

تقسیم می‌کنیم؛ با کمی درنگ

متوجه خواهیم شد که ما

می‌توانیم وظیفه خود

را در جامعه‌ای کوچک

تر مانند دانشگاه، خانه

و... ایفا کنیم.

الزهرای به عنوان یک



جامعه‌ی کوچک، باید در مسیر این اصلاحات قرار گیرد و قطعا این مسیر جز با تلاش‌های ما، دانشجویها، امکان پذیر نیست. ما به عنوان دانشجو وظیفه داریم، دغدغه‌ی حل این موضوع را به دانشگاه آورده و در راه اصلاح آن تلاش کنیم.

یکی از موضوعاتی که احتمالا توجه‌ی همه شما را به خود جلب کرده، داستان مجهول قاشق‌های پلاستیکی است. برخلاف عادات دانشگاه‌های دیگر در مورد استفاده از قاشق‌های فلزی، الزهرا ظاهرا اعتقادی به این امر ندارد!

بعد از اشاره کوچکی به مضرات پلاستیک برای محیط زیست و سعی در دوستدار محیط زیست بودن، به نظرم کمترین کاری که در قدم اول می‌توان انجام داد جایگزین کردن قاشق‌های فلزی و اصلاح این موضوع است.

صرف نظر از هزینه‌ای که هر روز دانشجویان باید در قبال این امر متحمل شوند، با کمی حساب و کتاب ساده متوجه خواهیم شد، این مسئله در دراز مدت که هیچ، حتی در طی یک هفته نیز می‌تواند آمار بالایی از مصرف پلاستیک را به ما نشان دهد.

امیدواریم با پیگیری و همکاری دانشجویان برای این مسئله به ظاهر کوچک، اما مهم، تدبیری پیشه کنیم و برای بهتر شدن جامعه کوچک خود قدم درستی برداریم.





حالا چی بپوشم...؟

بهاره حاجیانی

آیا هنگام خرید لباس به این فکر کرده‌اید که این تعداد لباس، با مدل‌های متنوع و با این سرعت چگونه تولید می‌شوند؟ یا حتی از خود پرسیده‌اید که در این زمان به این لباس‌ها نیازی دارم یا نه؟ به شما این اطمینان را می‌دهم که در ۸۰ درصد مواقع، واقعاً به آن لباس نیازی نداشته‌اید ولی توان مقاومت در برابر تنوع و زرق و برق فروشگاه‌ها را ندارید و اقدام به خرید می‌کنید!

«فست فشن» یا «مد سریع» به شرکت‌های تولید پوشاکی گفته می‌شود که با تولید سریع و سرسام آور لباس‌های ارزان، ترند و یا نمونه‌های کپی شده از کت واک‌ها، سعی دارند به سود بیش‌تری برسند و شما را به مشتری دائمی خود تبدیل کنند.

احساس نیاز به خرید، هدف اصلی این شرکت‌هاست که تنها با ورود شما به این فروشگاه‌ها ایجاد نمی‌شود. رسانه‌ها، تبلیغات، سلبریتی‌ها، شبکه‌های اجتماعی و... به صورت ناخودآگاه در شما تأثیر می‌گذارند و یا حتی زمانی که شما دوستان خود را با لباس‌های مختلفی در محل کار، مهمانی‌ها، دانشگاه و... می‌بینید، شما هم تمایل پیدا می‌کنید که با مد روز پیش بروید.

اچ‌اند‌ام (H&M)، قدیمی‌ترین برندی است که در زمینه‌ی تولید محصولات مد سریع فعالیت می‌کند. این برند اروپایی در سال ۱۹۴۷ فعالیت خود را در سوئد شروع کرد. بعدها برندهای دیگری مانند برند اسپانیایی زارا (Zara) هم به صنعت فست فشن وارد شدند. سیاست کلی این شرکت‌ها، تولید و فروش محصولات تنها

به مدت دو هفته (!!!) است.

پس از آن برندهای دیگری از جمله منگو (Mango) در اسپانیا، گپ (Gap) و تارگت (Target) در آمریکا، میس‌گاید (Missguided) در انگلستان، بنتون (Benetton) در ایتالیا، فوراور (Forever ۲۱) در کره ی جنوبی، نیولوک (New Look) و تاپ شاپ (topshop) در بریتانیا و... راه خود را به این صنعت باز کردند.

آسیب و صدمه‌ای که این صنعت به جامعه‌ی انسانی وارد کرده است، موجب می‌شود مشتریان نیز برای جا نماندن از غافله‌ی مد و فشن، سعی کنند با جریان تند و سریع تغییر مد، خود را هماهنگ کنند. در نتیجه، کم‌لباس‌هایشان با انبوهی از پوشاک بی‌کیفیتی پر می‌شود که نه جنس خوبی دارند و نه می‌توان از آن‌ها در بلند مدت بهره گرفت. در واقع، برندهای فست فشن ذهن و احساس مخاطب را طوری تربیت می‌کنند و عادت می‌دهند که مدام به سوی خرید تشویق شود و چیزهایی را به کم‌دش اضافه کند که ضروری نیستند.

?? با افزایش سرعت و مقدار تولید این لباس‌ها چه بر سر محیط زیست می‌آید ??

مقدار آب مصرفی:

پنبه و کتان از جمله گیاهانی هستند که برای پرورش آن‌ها به آب زیادی نیاز است. گفته می‌شود برای تولید یک دست تیشرت و شلوار جین نزدیک به ۲۰,۰۰۰ لیتر آب و برای تولید یک جفت کفش چرم تقریباً ۸,۰۰۰ لیتر آب نیاز است؛ با کمی تامل متوجه می‌شویم که ۲۰,۰۰۰ لیتر آب معادل ۴۰,۰۰۰ بطری آب معدنی کوچک است، ۴۰,۰۰۰ بطری فقط برای تولید یک دست تیشرت و شلوار جین!!

آب مصرفی در تولید پارچه به حدی است که در ازبکستان، استفاده از آب دریای آرال در تولید پنبه باعث خشک شدن آن بعد از حدود ۵۰ سال شده است و دریای آرال که زمانی یکی از چهار دریاچه بزرگ جهان بوده، اکنون تنها یک بیابان و چند



حوضچه‌ی کوچک است.

سال ۲۰۱۵ تنها این صنعت ۸۰ میلیارد متر مکعب آب آشامیدنی مصرف کرده‌است که این مقدار معادل میزان آبی است که برای پر کردن ۲۳,۰۰۰ استخر استاندارد برای المپیک مصرف می‌شود.

آلودگی آب‌ها:

استفاده از رنگ‌های ارزان و شیمیایی سمی باعث شده‌است که صنعت فست فشن یکی از صنایع آلوده‌کننده‌ی آب‌های پاک بعد از صنعت کشاورزی به حساب آید. از آن جایی که خیلی از رنگ‌های مورد استفاده در این صنعت ارگانیک نیستند و و به صورت صنعتی تولید می‌شوند، آلودگی زیادی را وارد طبیعت می‌کنند.

آلودگی هوا:

عجیب به نظر می‌رسد اما، میزان گازهای گلخانه‌ای که صنعت مد تولید می‌کند، از مجموع میزان گازهای گلخانه‌ای صنعت کشتی رانی و هواپیمایی بیش‌تر است. صنعت مد مسئول ۱۰ درصد از انتشار کربن جهان است و براساس گزارش سال ۲۰۱۷ بنیاد الن مک آرتور، اگر به مسیر فعلی خود ادامه دهد، این سهم از بودجه کربن می‌تواند تا سال ۲۰۵۰ به ۲۶ درصد برسد.

آلودگی خاک:

استفاده از آفت کش‌های سمی برای کشت پنبه خطرات خشک سالی و آلودگی ناشی از سموم را به همراه دارند و کیفیت خاک‌های حاصل خیز را بسیار کاهش می‌دهند. به طور کلی بیش از ۸,۰۰۰ ماده شیمیایی مضر در صنعت مد و پوشاک کاربرد دارند که مقصد نهایی تمام این مواد، خاک، آب‌های زیر زمینی و آب‌های جاری است.

تولید مواد تجزیه ناپذیر:

شستن لباس‌ها، سالانه ۵۰۰,۰۰۰ تن میکرو الیاف را به اقیانوس‌ها آزاد می‌کند (معادل ۵۰ میلیارد بطری پلاستیکی) که بسیاری از این الیاف پلی استر هستند و در اقیانوس‌ها تجزیه نمی‌شوند. استفاده از پارچه‌های ارزان قیمت مانند پلی استر،



به عنوان یکی از مشتقات سوخت‌های فسیلی، خود یکی از عوامل گرم شدن زمین است. این نوع الیاف باعث افزایش پلاستیک‌های تجزیه ناپذیر در سطح زمین شده است.

احتمالا بگویید پارچه‌های پنبه‌ای می‌توانند بهترین جایگزین الیاف پلی‌استر باشند، اما متأسفانه باید گفت الیاف طبیعی مانند پنبه نیز مشکلات زیادی برای زمین و موجودات زنده ایجاد می‌کنند.



دانه‌های دست‌کاری شده‌ی پنبه، سم پاشی‌های بی‌رویه مزارع پنبه و... باعث رشد عجیب نواقص مادرزادی و سرطان در ساکنین مناطق کشت پنبه در هند شده است. به گونه‌ای که گفته می‌شود در ۱۵

سال اخیر ۲۵۰ هزار نفر از زارعین پنبه در هند خودکشی کرده‌اند.

تولید و تولید و تولید...

حجم تولیدات انبوه این صنعت به اندازه‌ای است که در هر ثانیه تقریباً ۲,۵۳۶ تکه لباس توسط فست فشن‌ها تولید می‌شود که در این میان، ۲۰ درصد لباس‌ها بیش از یک بار پوشیده نمی‌شوند و بیش‌تر لباس‌ها به‌طور میانگین تنها ۷ بار پوشیده می‌شوند. تنها در آمریکا سالانه بیش از ۱۰,۵ میلیون تن لباس به مخازن زباله ریخته می‌شود که این مقدار یعنی ۳۰ برابر سنگین‌تر از ساختمان امپایر استیت نیویورک...

امروزه ما در دوره‌ی مصرف‌گرایی زندگی می‌کنیم. دوره‌ای که بیش‌تر مصرف‌کردن، تبدیل به ارزش شده است و کمپانی‌های بزرگ با استفاده از حراج‌های وسوسه‌انگیز و با عوض کردن سریع ترندها، ما را به بیش‌تر خرید کردن تشویق می‌کنند. طراحان مد باسابقه دنیا مانند ویوین وست وود (Vivienne Westwood)، دیدگاه ارزشمندی نسبت به مد دارند. آن‌ها می‌گویند: «کم‌تر خرید کنید، درست انتخاب کنید و مدتی طولانی لباس را بپوشید.»


علاوه بر اینکه با کنار گذاشتن فست فشن مصرف‌گرایی رایج در جوامع کنونی به شدت کاهش پیدا خواهد کرد، از عواقب مخرب این صنعت در ایجاد آلودگی‌های زیست محیطی نیز جلوگیری می‌شود و نظام سواستفاده از کارگرانی که با دستمزدهای اندک برای برندهای بزرگ کار می‌کنند، برچیده خواهد شد.

حال از شما می‌خواهم که بعد از خواندن این مطلب سری به کمد لباس‌هایتان بزنید. بدون شک لباس‌های زیادی هستند که مدت زیادی از آخرین باری که آن‌ها را پوشیده‌اید می‌گذرد؛ چه بسا در این میان هستند لباس‌هایی که قابلیت اهدا کردن دارند و می‌توانند برای فرد دیگری قابل استفاده باشند... تنها کافیست کمی بیش‌تر به سبک زندگی و عادات‌های غلطمان بیاندیشیم.





از خودمان شروع کنیم!

غزال میرزاپور 

چقدر به تفکیک زباله‌ها اهمیت می‌دهیم؟
 زمان دور ریختن زباله به علامت و نوشته‌ی روی سطل‌ها نگاه می‌کنیم؟
 چند سالی هست که در مکان‌های عمومی سطل‌های رنگی با اشکال مختلف دیده می‌شوند؛ هر کدام آن‌ها حامل پیامی برای ما است و ما متأسفانه بی‌توجه از کنار هریک عبور می‌کنیم. اصلاً چرا راه دور برویم؟ همین دانشگاه خودمان! چند درصد از ما حواسمان به این سطل‌ها است؟ برایمان تفاوتی دارد که پوست موز خود را در سطل کاغذ بیاندازیم یا سطل زباله‌های تر؟ چند نفر از ما بطری‌های دوغ و نوشابه‌مان را بعد از خوردن در سطل مخصوص پلاستیک می‌اندازیم؟ آیا تا به حال سطل مخصوص نان خشک را اصلاً دیده‌اید؟ در حالی که ۹۰ درصد دانشجو‌ها از وجود آن بی‌خبرند، باید گفت که سطل نان خشک درست بعد از زمین چمن قرار گرفته است ولی اگر نگاهی به داخل آن بیاندازید متوجه خواهید شد که هر چیزی در آن دیده می‌شود به جز نان خشک! وقتی که حرف از ایجاد تغییر به میان می‌آید و یا زمانی که مشکلات و کم‌وکاستی‌ها مطرح می‌شوند، همه یک‌دیگر را مقصر دانسته و سرزنش می‌کنند. اما باید به یاد داشته باشیم، قبل از این که فرد دیگری را سرزنش کنیم، نگاهی به خودمان بیاندازیم! من برای بهتر شدن چه گامی برداشته‌ام؟ با کمی دقت به محیط پیرامونمان می‌توانیم انواع سطل‌های زباله را بشناسیم و متوجه شویم چقدر بی‌تفاوت به انواع آن،

زباله‌های خود را به اولین سطلی که می‌رسیم، می‌اندازیم. سطل‌های زباله به طور کلی به دو دسته‌ی سطل مخصوص زباله تر و سطل مخصوص زباله خشک، تقسیم‌بندی می‌شوند؛ زباله‌های خشک شامل: کاغذ، پلاستیک، اجسام شیشه‌ای و فلزی می‌باشند و هر یک می‌توانند سطل مخصوص و جداگانه‌ای داشته تا تفکیک زباله از محل تولید آن آغاز شود. زباله‌های ناشی از مواد غذایی در دسته‌ی زباله‌های تر قرار می‌گیرند که یک مورد قابل تفکیک در این گروه، سطل‌های مخصوص نان خشک می‌باشد. ما می‌توانیم با رعایت ساده‌ترین و آسان‌ترین نکته‌ها به زندگی خودمان و دیگر موجودات که حق برابری برای بهره‌بردن از این محیط دارند کمک کرده باشیم. مگر چند ثانیه‌ی زمان نیاز است تا نگاهی به زباله‌ی در دستمان و برچسب روی سطل بیاندازیم؟ بسیار وقت گیر است؟ یا ما بسیار مشغول هستیم و لحظه‌ای فرصت سرخاراندن نداریم؟ حال شاید شما به این فکر کنید که بازیافت چه تاثیری در زندگی ما دارد؟! «زباله» یا «مواد زائد» از جمله بحث‌های داغ این روزها در سطح جهان می‌باشد. کشورهای پیشرفته به دنبال بهترین راه برای استفاده از طلای کثیف می‌باشند. برای مثال کشور آلمان که در گذشته رکورد دار تولید زباله بوده است، امروزه زباله‌هایش کفاف صنعت بازیافت پیشرفته‌اش را نداده و از سایر کشورها آن را وارد می‌کند. تاثیری که بازیافت زباله در صرفه‌جویی در انرژی و مواد خام دارد قابل انکار نیست. کلام آخر اینکه هر کدام از ما دوست‌دار محیط زیستی هستیم که به ما فرصت زندگی بخشیده است و زمانی که عنوان دانشجو را یدک می‌کشیم ولی قدم کوچکی در مسیر فرهنگ سازی بر نمی‌داریم، چطور می‌توانیم مدعی این دوستی باشیم؟

بیا بیا **از** **خودمان** **شروع** **کنیم!!**



« مجله‌ی هیرکان میزبان برگه‌های باطله‌ی شماست. »
ازتون می‌خوایم اگه نیازی به برگه‌های باطلتون
(در ابعاد A۴ یا A۳) ندارید، اون‌ها رو به ما
بسپارید تا ما دوباره ازشون یک اثر دیگه خلق
کنیم و تو چاپ شماره‌های بعدی ازشون کمک
بگیریم.

Gahname.Hirkan@gmail.com

